



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

بررسی نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در دیدگاه سیاسی
امام خمینی (س) و شهید محمد باقر صدر

اسناد راهنما:

دکتر صدرالدین موسوی

استاد مشاور:

دکتر محمدحسین جمشیدی

پژوهشگر:

عباسعلی توتونچی

دی ماه ۱۳۸۹

شماره: ۵۰۱۰۵۵۶۹۶
تاریخ: ۱۳۸۹/۱۰/۲۷
پیوست:



پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

باسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای عباسعلی توتونچی دانشجوی رشته اندیشه سیاسی در اسلام

تحت عنوان: «بررسی و مقایسه نقش مردم در حکومت اسلامی در دیدگاه سیاسی امام خمینی (س) و شهید محمد باقر صدر»

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۴ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه بسیار خوب امتیاز: ۱۸
 قبول مشروط با درجه: (با اصلاح) امتیاز:
 مردود
شرح اصلاحات مورد نیاز:

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر مشخص میگردد:

الف) قابل قبول از ۱۴ به بالا
۱- قبول با درجه عالی ۱۹-۲۰ ۳- قبول با درجه خوب ۱۶-۱۷/۹۹
۲- قبول با درجه بسیار خوب ۱۸-۱۸/۹۹ ۴- قابل قبول ۱۴-۱۵/۹۹
ب) مردود کمتر از ۱۴

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما:	جناب آقای دکتر سید صدرالدین موسوی	استاد	
۲- استاد مشاور:	جناب آقای دکتر محمد حسین جمشیدی	استاد	
۳- استاد داور:	جناب آقای دکتر نوراله قیصری	استاد	
۴- استاد داور:	جناب آقای دکتر ناصر جمالزاده	دکتر	

امضاء
مدیریت تحصیلات تکمیلی
۱۱۴۵۸۸۲۳۸ شماره پستی: ۶۶۷۲۲۸۲۵ شماره: ۶۶۷۲۲-۲۲-۷ و ۶۸۷۲۲۰۹۰۰۶ تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۲۲۰۹۰۰۶
پست الکترونیک: info@rj-khomeini.com

امضاء
نماینده تحصیلات تکمیلی
وب سایت اینترنتی: www.rj-khomeini.com

امضاء
مدیر گروه
تهران، خیابان مولان، شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (گزشتک) پلاک ۶۲، تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۲۲۰۹۰۰۶

چکیده

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: اندیشه سیاسی در اسلام
عنوان پایان نامه: بررسی نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در دیدگاه سیاسی امام خمینی (س) و محمد باقر صدر
نام و نام خانوادگی دانشجو: عباسعلی توتونچی
استاد راهنما: جناب آقای دکتر صدرالدین موسوی
استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمدحسین جمشیدی
تاریخ شروع پایان نامه: اردیبهشت ۱۳۸۹
تاریخ اتمام پایان نامه: دی ماه ۱۳۸۹
چکیده شامل هدف تحقیق، روش تحقیق، طرح تحقیق و یافته‌ها و نتایج تحقیق می‌باشد). چکیده: به طور کلی اندیشه‌ی سامان بخشی به جوامع از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و متفکران بوده است. در این میان مقوله‌ی نقش مردم در یک نظام سیاسی از موضوعات پراهمیت می‌باشد. برخی از متفکرین نقش مردم را در یک حکومت پررنگ می‌دیدند و برخی نیز سعی در کم رنگ نشان دادن این نقش داشتند. در میان متفکرین جهان اسلام نیز این امر به وضوح به چشم می‌خورد. بیشتر این اندیشمندان در قالب الگوی حکومت اسلامی به اندیشه ورزی در این زمینه پرداخته‌اند. در دوران جدید به واسطه حاکمیت آموزه‌های دموکراتیک توجه به نقش مردم در حکومت نیز افزایش پیدا کرد. حال این پژوهش به بررسی آراء و دیدگاه‌های دو تن از اندیشمندان و علمای بزرگ اندیشه سیاسی شیعه یعنی حضرت امام خمینی (س) و شهید محمدباقر صدر در باب نقش مردم در حکومت اسلامی می‌پردازد. امام خمینی (س) در قالب الگوی «ولایت عامه‌ی فقها» نقش مردم را در کنار ولی فقیه مطلقه، در حکومت اسلامی می‌دید. مشروعیت این حکومت نیز مشروعیت دو گانه الهی-مردمی بود. اما شهید محمدباقر صدر به دلیل اعتقاد به خلیفه الهی انسان در دوران غیبت، مردم را تنها عنصر اصلی حکومت اسلامی و مشروعیت بخشی به آن می‌دانست.

الموجز

مهد البحوث للامام الخميني و ثوره الاسلاميه

لمقطع الدراسي : الماجيستر
لقسم الدراسي : الفكر السياسي في الاسلام
عنوان الرسالة: يلاحظ دور الشعب في الحكومه الاسلاميه بدراسته آراء الامام الخميني و الشهيد الصدر
لاسم و الكنيه الطالب: عباسعلي توتونچي
لاستاذ الدليل: السيد الدكتور صدرالدين موسوي
لاستاذ المستشار: السيد الدكتور محمدحسين جمشيدى
التاريخ المباشره الرساله: الجمادى الاول ١٤٣١
تاريخ اتمام پاين نامه: محرم و صفر ١٤٣٢
الموجز:
كانت فكره «تنظيم المجتمعات» موضع اهتمام المفكرين منذ عهدٍ بعيدٍ و في هذا المضمار، تكون قضيه « دور الشعب في النظام السياسي » من الموضوعات ذات الاهميه الكثيره. ان جماعه من المفكرين كانوا يرون تأثيراً هاماً لدور الشعب في الحكومه و لكن جماعه اخرى كان اهتمامهم بان يروا تأثيراً غير معتدٍ به له (الدور الشعب). يبدو هذا الامر بوضوح بين مفكرى العالم الاسلامى ايضاً. قد تام هو لاء المفكرين بالتكفير في هذا المجال، في قالب «الحكومه الاسلاميه». قد زاد الاهتمام بدور الشعب في الحكومه، في العصر الجديد بعضل سلطه التعاليم الديموقراطيه. و سخن الآن قد قمنا في هذه الرساله بدراسته آراء العالمين الكبيرين من علماء «التفكر السياسى الشيعى»- الامام الخميني و الشهيد الصدر رحمه الله عليهما- في خصوص «دور الشعب في الحكومه الاسلاميه».
كان الامام الخميني يلاحظ دور الشعب بجانب « ولايه الفقيه المطلقه» في قالب «الولايه العامه للفقها» لكن الشهيد الصدر، كان يرى الشعب عنصراً رئيسياً وحيداً لحكومه الاسلاميه و مشروعيتها في عصر الغيبه، لاعتقاده- رحمه الله- بكون الانسان خليفه الله.

Abstract

Imam Khomeini and Islamic Revolution Researching Center

Academic Degree : M.A.
Major : Political thought In Islam
Thesis Title : research and comparative role people in Islamic Government in viewpoint Imam Khomeini and Shahid Mohammad Bagher Sadr
Student` s Name and surname: abbas Ali Totunchi
Supervisor: Mr. SAdroin Moosavi, Ph.D
Advisor : Mr. Mohammad Hosein Jamshidi, Ph.D
Start date if the Thesis : May ۲۰۱۰
Finished date of the Thesis: December ۲۰۱۱

Abstract:

In usual ordered thought`s has been in communities of age`s ancient pay attention intellectual. In the contexe people role`s in Plitical Systems has subjects. Some intellectual`s in show few color the role of people in Government have role.

So in Islam world`s intellectual has been showed. All of Islamic intellectual`s in paradigm Islamic Government in context attention. In Modern age`s the reason authority ductorin`s democratic attention the role of people in Government increase.

Our objective in this Research is to explain political thought of Emam Khomeini and Shahid Mohammad Bagher Sadr in role of people in Islamic Government. Emam Khomeini has been in paradigm “ velayat amme Shiite Foghaha” role of people in add “vali faghih” in Islamic Government. the Legitimacy of Government Islamic so legitimacy pullar. Because in view Mohammad Bagher Sadr the reason in age “gheybat” just role of people in Islamic government.

فهرست اجمالی :

فصل اول : کلیات ۱۲

فصل دوم : چارچوب نظری ۲۳

فصل سوم : بررسی مفاهیم جمهوری و مردم سالاری..... ۳۱

فصل چهارم : نقش مردم در حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی(س)..... ۹۲

فصل پنجم : نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر..... ۱۵۵

فصل ششم : مقایسه و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در اندیشه خمینی و صدر..... ۱۷۷

فهرست مطالب :

فصل اول : کلیات

۱۲	۱- طرح موضوع
۱۲	۲- اهمیت موضوع
۱۳	۳- سؤال اصلی
۱۴	۴- مفروضات
۱۴	۵- فرضیه ها
۱۵	۶- تعریف مفاهیم
۱۵	۶-۱ مشروعیت
۱۷	۶-۲ حاکمیت
۱۸	۶-۳ حاکمیت-ولایت-در اسلام
۱۹	۶-۴ جمهوری
۲۱	۶-۵ جمهوری اسلامی
۲۱	۶-۶ حکومت یا نظام سیاسی
۲۲	۶-۷ حکومت اسلامی
۲۳	۶-۸ ولایت و ولایت فقیه
۲۴	۶-۹ فقه سیاسی شیعه
۲۵	-۱۰ اندیشه سیاسی
۲۵	۷- متغیرها
۲۶	۸- منابع اولیه پژوهش
۲۶	۹- سازماندهی پژوهش

فصل دوم : چارچوب نظری

۳۱	فصل سوم : بررسی مفاهیم جمهوری و مردم سالاری
۳۲	۱- مقدمه
۳۴	۲- واژه جمهوری (معنای لغوی و اصطلاحی)
۳۸	۳- سیر مفهوم جمهوری در اندیشه سیاسی غرب
۳۹	۳-۱ رهیافت افلاطونی
۳۹	۳-۲ رهیافت رومی یا سیسرونی
۴۰	۳-۳ رهیافت مدرن
۴۱	۳-۴ رهیافت پست مدرن
۴۱	۳-۵ نتیجه گیری

- ۴۲- سیر مفهوم جمهوری در تاریخ اندیشه سیاسی ایران و اسلام.....
- ۴۳- ۱- عصر ایران باستان.....
- ۴۴- ۲- عصر اسلامی.....
- ۴۹- ۳- عصر مدرن.....
- ۵۰- ۱-۳-۴ نخستین کاربردهای مردم‌سالاری در آثار نویسندگان مسلمان.....
- ۶۲- ۲-۳-۴ بررسی مولفه‌های مردم‌سالاری در گستره اندیشه سیاسی مسلمانان.....
- ۶۴- ۱-۲-۳-۴ آزادی.....
- ۶۶- ۲-۲-۳-۴ برابری سیاسی و حقوقی.....
- ۶۸- ۳-۲-۳-۴ حاکمیت مردم.....
- ۷۰- ۴-۲-۳-۴ مشارکت مردم و رضایت عمومی.....
- ۷۱- ۵-۲-۳-۴ قانون‌گرایی.....
- ۷۲- ۵- مردم‌سالاری دینی.....
- ۷۳- ۱-۵ تعریف مردم‌سالاری دینی.....
- ۷۷- ۲-۵ عناصر نظری مردم‌سالاری دینی.....
- ۷۷- ۱-۲-۵ توحید در ساحت خرد و اندیشه ورزی.....
- ۷۷- ۲-۲-۵ عدالت و عدالت محوری.....
- ۷۹- ۳-۲-۵ قانون و قانون مندی.....
- ۸۰- ۴-۲-۵ تنوع و تکثر سیاسی مبتنی بر آزادی مثبت.....
- ۸۲- ۵-۲-۵ رضایت و مقبولیت عامه.....
- ۸۳- ۳-۵ عناصر عینی مردم‌سالاری دینی.....
- ۸۴- ۱-۳-۵ پذیرش اصل هدایت و رهبری مستمر.....
- ۸۴- ۲-۳-۵ جامعه‌ای با وصف دینی.....
- ۸۴- ۳-۳-۵ پذیرش نهادهای نظارتی و کنترلی قدرت از ناحیه مردم.....
- ۸۵- ۴-۳-۵ مشارکت و رقابت سیاسی فراگیر.....
- ۸۷- ۵-۳-۵ تقدم اکثریت بر اقلیت.....
- ۹۰- ۴-۵ اهداف مردم‌سالاری دینی.....
- ۹۰- ۱-۴-۵ ایجاد برابری اجتماعی و سیاسی.....
- ۹۱- ۲-۴-۵ بسط اندیشه قانون‌گرایی.....
- ۹۱- ۳-۴-۵ تعلیم و تربیت.....
- ۹۲- ۴-۴-۵ اعطای حق تعیین سرنوشت به مردم.....

فصل چهارم: نقش مردم در حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)

- ۹۵- ۱-۴ بنیادهای نظری اندیشه سیاسی امام خمینی (س).....

- ۹۵ ۱-۱-۴ شناخت شناسی امام خمینی (س).
- ۹۸ ۲-۱-۴ جهان بینی و هستی شناسی امام خمینی.
- ۹۹ ۳-۱-۴ انسان از دیدگاه امام خمینی.
- ۱۰۳ ۲-۴ ابعاد اندیشه امام خمینی (س) و تاثیر آن بر سیاست.
- ۱۰۳ ۱-۲-۴ بعد عرفانی.
- ۱۰۶ ۲-۲-۴ بعد کلامی.
- ۱۱۰ ۳-۲-۴ بعد فقهی اندیشه امام خمینی و تاثیر آن بر اندیشه سیاسی.
- ۱۱۳ ۱-۳-۲-۴ اعتقاد به حجیت علم احتمالی (ظن).
- ۱۱۴ ۲-۳-۲-۴ صدور احکام بر مبنای عقل و عرف.
- ۱۱۴ ۳-۳-۲-۴ اصول علمیه.
- ۱۱۶ ۳-۴ مباحث مهم اندیشه سیاسی امام خمینی (س).
- ۱۱۶ ۱-۳-۴ رابطه دین و سیاست.
- ۱۱۹ ۲-۳-۴ لزوم تاسیس نظام سیاسی در دوران غیبت.
- ۱۲۰ ۳-۳-۴ ماهیت حکومت اسلامی.
- ۱۱۴ ۴-۳-۴ ولایت فقیه.
- ۱۲۸ ۵-۳-۴ جایگاه مردم در حکومت اسلامی.
- ۱۳۲ ۴-۴ مبانی نظری در باب نقش مردم در حکومت اسلامی.
- ۱۳۳ ۱-۴-۴ ادله و مبانی نظری توجیه کننده حقوق سیاسی مردم.
- ۱۳۴ ۱-۱-۴-۴ اصل لزوم تاسیس بهترین شیوه حکومت برای عمل به تعهدات دینی.
- ۱۳۶ ۲-۱-۴-۴ اصل لزوم سیر من الخلق الی الحق.
- ۱۳۸ ۳-۱-۴-۴ اصل خوش بینی به فطرت انسان.
- ۱۴۱ ۴-۱-۴-۴ اصل لزوم آگاهی.
- ۱۴۳ ۵-۱-۴-۴ اصل جامعیت اسلام.
- ۱۴۵ ۶-۱-۴-۴ اصل امر به معروف و نهی از منکر.
- ۱۴۷ ۷-۱-۴-۴ اصل شورا و مشورت.
- ۱۴۹ ۲-۴-۴ نتیجه گیری.
- فصل پنجم: نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر
- ۱۵۶ ۱-۶ زندگی نامه شهید صدر.
- ۱۵۹ ۲-۶ زمینه مبانی نظری اندیشه سیاسی صدر.
- ۱۶۰ ۱-۲-۶ مذهب شیعه.
- ۱۶۳ ۲-۲-۶ انسان شناسی شهید صدر.
- ۱۶۵ ۳-۲-۶ شرایط سیاسی و اجتماعی.
- ۱۶۶ ۴-۲-۶ گفتار فقهی شهید صدر.

- ۳-۶ اندیشه سیاسی شهید محمدباقر صدر.....۱۶۸
- ۱-۶-۶ نظریه حکومت شورایی یا دولت انتخابی اسلامی.....۱۶۹
- ۲-۶-۶ نظریه حکومت ترکیبی یا خلافت مردم با نظارت مرجعیت.....۱۷۰

فصل ششم : مقایسه و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی و شهید صدر

- ۱-۶ نقش مردم در حکومت اسلامی در الگوی ولایت حسیه.....۱۷۸
- ۲-۶ نقش مردم در حکومت اسلامی در الگوی ولایت عامه فقها.....۱۷۸
- ۳-۶ ویژگی‌های مردم‌سالاری در حکومت اسلامی در الگوی ولایت حسیه.....۱۷۹
- ۱-۳-۶ اجتماع سیاسی و اجتماعی متعهد.....۱۷۹
- الف) دیدگاه شهید صدر.....۱۸۰
- ب) دیدگاه امام خمینی.....۱۸۳
- ۲-۳-۶ مشروعیت نظام سیاسی.....۱۸۶
- الف) دیدگاه شهید صدر.....۱۸۷
- ب) دیدگاه امام خمینی.....۱۸۹
- ۳-۳-۶ حقوق اجتماعی مردم در حکومت اسلامی.....۱۹۲
- الف) دیدگاه شهید صدر.....۱۹۲
- ب) دیدگاه امام خمینی.....۱۹۵

۴-۶ صورت بندی نظریه مردم‌سالاری در حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی و شهید صدر
 ۱-۴-۶ الگوی حکومت شورایی (ولایت حسیه)

- الف) نظریه شهید محمدباقر صدر.....۱۹۷
- ۱-الف) عناصر ذهنی شهید صدر.....۱۹۷
- ۱-۱-الف) عدالت و عدالت محوری.....۱۹۷
- ۱-۲-الف) قانون و قانون مندی.....۱۹۹
- ۱-۳-الف) تنوع و تکثر سیاسی.....۲۰۱
- ۲-الف) عناصر عینی نظریه شهید صدر.....۲۰۲
- ۲-۱-الف) اصل هدایت و رهبری مستمر.....۲۰۲
- ۲-۲-الف) جامعه دینی.....۲۰۳
- ۲-۳-الف) نهادهای نظارتی و کنترلی قدرت.....۲۰۴
- ۲-۴-الف) مشارکت و رقابت فراگیر.....۲۰۴
- ۲-۴-۶ الگوی ولایت عامه فقها
- ب) نظریه امام خمینی (س).....۲۰۵
- ۱-ب) عناصر ذهنی امام خمینی.....۲۰۵

- ۲۰۵.....(ب-۱-۱) عدالت و عدالت محوری.....
- ۲۰۷.....(ب-۲-۱) قانون و قانون مندی.....
- ۲۱۲.....(ب-۳-۱) تنوع و تکثر سیاسی.....
- ۲۱۴.....(ب-۴-۱) رضایت و قبول عامه.....
- (ب-۲) عناصر عینی امام خمینی
- ۲۱۵.....(ب-۱-۲) اصل هدایت و رهبری مستمر.....
- ۲۱۶.....(ب-۲-۲) جامعه دینی.....
- ۲۱۷.....(ب-۳-۲) نهادهای نظارتی و کنترلی قدرت.....
- ۲۱۸.....(ب-۴-۲) مشارکت و رقابت سیاسی فراگیر.....
- ۲۲۰.....(ب-۵-۲) فضا سازی برای ابراز نظر اقلیت.....
- ۲۲۳..... نتیجه گیری.....
- ۲۳۴..... فهرست منابع.....

فصل اول :

طرح موضوع

طرح موضوع :

یکی از مهم ترین شاخصه‌های سیاست مدرن، عمومی شدن سیاست و مشارکت هرچه بیشتر افراد در امور مربوط به اداره کلی جامعه و کشور است. از این ویژگی در ادبیات سیاسی به مردم‌سالاری یا همان دموکراسی یاد می‌کنند. این پدیده اگرچه در اشکال سنتی آن در جوامع اسلامی نیز قابل بررسی و مشاهده بوده؛ اما در شکل مدرن آن پدیده وارداتی است. از همین رو با آشنایی اندک اندک اندیشمندان معاصر دنیای اسلام با این پدیده و وجوه متعدد آن شاهد نظریه پردازی در ابعاد مختلف آن بوده‌ایم.

یکی از شاخصه‌های مهم اندیشه ورزی در اندیشه سیاسی مدرن اسلامی، فقه سیاسی است و در این حیطه اندیشمندان شیعی اندیشه‌های جدیدی داشته‌اند. دوتن از اندیشمندان با اهمیت فقه سیاسی شیعه حضرت امام خمینی (س) و شهید محمدباقر صدر هستند. مردم‌سالاری مستقر در نظام جمهوری اسلامی محصول اندیشه ورزی و دیدگاه‌های این دوتن در حوزه سیاست به معنای مدرن آن است؛ اما یکی از پرسش‌های اساسی که در این حوزه مطرح است این است که مردم چگونه می‌توانند در حکومت اسلامی نقش خود را آن گونه که از الزامات این نظریه یعنی مردم‌سالاری برمی‌آید، ایفا کنند. این پرسش برای جامعه‌ی کنونی ما نیز همواره مطرح بوده است.

آنچه در این پژوهش قصد بررسی آن را داریم تعیین نوع، ماهیت، جهت گیری و گستره‌ی نقش آفرینی مردم از دیدگاه این دو اندیشمند معاصر دنیای اسلام است. بنابر این تحقیق امام خمینی (س) در چارچوب **الگوی ولایت عامه فقها** (جمهوری اسلامی) و شهید محمدباقر صدر در قالب **حکومت شورایی** (الگوی ولایت حسبیه) قابل مطالعه هستند.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده‌ی تحقیق:

توجه به نقش مردم در تاسیس و مشارکت در نظام سیاسی از نهضت مشروطیت تا انقلاب و جمهوری اسلامی و طرح سوالات گوناگون در زمینه‌ی جایگاه مردم در نظام اسلامی از مهم ترین انگیزه‌های نظری انتخاب این موضوع بوده است و نیز در این برهه از زمان که مباحث گوناگون و متعددی در نقش مردم در نظام سیاسی اسلامی مطرح می‌شود لذا ضرورت تبیین مبانی حضور سیاسی مردم در حکومت اسلامی، اهمیت بیشتری می‌یابد و این مهم زمانی بیشتر ضرورت پیدا می‌کند که مبانی نقش مردم را در اندیشه سیاسی رهبر انقلاب اسلامی و دیگر اندیشمندان شیعی بررسی نماییم.

سابقه‌ی پژوهش:

تفحصی که بر آثار مدون در این باب یعنی مقایسه آراء سیاسی حضرت امام خمینی و شهید محمدباقر صدر صورت گرفت، ما را به این نتیجه رساند که آثار نگاشته شده در این زمینه یا به بررسی جداگانه‌ی نقش مردم در اندیشه سیاسی هریک از این اندیشمندان پرداخته است (مثل: نقش مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی) و یا اینکه اندیشه‌ی امام خمینی را با اندیشمند دیگری مقایسه نموده است: مثل «نقش مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی و علامه نائینی» که توسط غلام حسن مقیمی به رشته‌ی تحریر درآمده است. یا اینکه وجوه دیگری از جمله عدالت در اندیشه سیاسی این اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته است همچون: «نظریه عدالت در اندیشه محمدباقر صدر، امام خمینی (س)

وفارابی؛ نوشته: دکتر محمدحسین جمشیدی. که در این کتاب نویسنده بر پایه مفهوم عدالت به مقایسه‌ی اندیشه امام خمینی، شهید صدر وفارابی پرداخته است.

لذا موارد یاد شده با موضوع مورد بررسی این پژوهش همپوشانی ندارد و تا به امروز پژوهشی کارآمد درباره‌ی تحلیل و مقایسه‌ی اندیشه سیاسی این دو اندیشمند، در باب نقش مردم در حکومت اسلامی صورت نگرفته است. بنابراین این پژوهش بی آنکه ادعای جامعیت داشته باشد، متکفل پرکردن این خلاء پژوهشی گشته است.

سوال اصلی:

سوال اصلی نگارنده این است:

نقش مردم در حکومت اسلامی بر مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی و شهید محمدباقر صدر چیست؟

سوالات فرعی:

دو سوال دیگر که به مثابه سوالات فرعی به تناسب موضوع، در این پژوهش قابل طرح هستند عبارتند از:

۱- مردم سالاری چه نوع رژیمی است و چه الزاماتی دارد؟

۲- گستره، ماهیت و جهت گیری نقش مردم در نظام‌های مردم سالار چگونه است؟

مفروضات:

الف- دو متفکر مزبور، حکومت در دوره غیبت را شرعاً و عقلاً ضروری می‌دانند.

ب- به نظر دو متفکر مورد نظر، به علت جامعیت دین، دین در امور اجتماعی و سیاسی دارای حکم و نظر است.

ج- تفسیرهای متفاوت امام خمینی و شهید صدر از شیوه و یا الگوی حکومت در دوره غیبت مبتنی بر پیش فرض ها، تجربه‌ها و تفسیرهای آنها از دین در سیاست است.

فرضیه‌ها:

چنان که اشاره کردیم در «نظام سیاسی اسلام» که احکام و قوانین شرعی-الهی حاکم هستند، مهمترین منبعی که نقش مردم را توضیح و تحدید می‌کند احکام شرعی است. اما میزان این محدودیت مبتنی بر الزامات زمان و مکان، پیشینه‌های علمی و مبانی فقهی-سیاسی متفکران مورد بحث است.

فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که در باب تاسیس حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی نقش مردم با وجود ولی فقیه عادل معنا پیدا می‌کند ولی در اندیشه سیاسی شهید محمدباقر صدر، مردم به تنهایی قادر به تاسیس حکومت می‌باشند و در اندیشه سیاسی هر دو فقیه بزرگوار، گستره‌ی نقش مردم در امر حکومت در محدوده‌ی قانون گذاری مشروط به قوانین اسلام است.

فرضیه رقیب این پژوهش هم عبارت است از:

نقش مردم در تاسیس، تداوم و بقاء حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی و محمدباقر صدر ابزاری است و در مشروعیت بخشی نیز این نقش به واسطه‌ی آموزه‌های الهی-دینی در حاشیه قرار می‌گیرد.

مفاهیم:

*مشروعیت (legitimacy):

با توجه به ابهام و ابهام در ترجمه‌ی این واژه، ناچاریم که معادل‌های آن را در انگلیسی، فارسی و عربی بیان نموده، تا مشکل به کارگیری آن در این تحقیق برطرف شود:

الف- معنی لغوی:

۱- در فارسی: جهت مشخص شدن معنی این واژه در زبان فارسی، باید به واژه‌های «مشروع» و «مشروع» رجوع کنیم:

«مشروع-اسم مفعول» یعنی آنچه موافق شرع باشد، چیزی که طبق شرع جایز باشد. «مشروع-اسم مفعول» مونث مشروع، یعنی حکومت مشروع: حکومتی که منطبق بر قوانین شرع اسلام باشد.

۲- در عربی: این واژه در عربی با معادل «شرعیت» موافقت دارد، و برای یافتن معنی لغوی «شرعیت» باید به واژه‌های همچون «شرع» و «شرعی» رجوع نمود.

«شرع» یعنی راه روشن و پیدای خداوند بر بندگان، راه راست، راه روشن. «شرعی» یعنی آنچه مطابق احکام و دستورات خداوند باشد.

به هر حال، واژه‌ی مشروعیت در فارسی و معادل عربی آن، یعنی «شرعیت» دارای یک معنی بارز و رایج فقهی و حقوقی است که مطابق با احکام شرع است.

۳- در انگلیسی: برای واژه ی-legitimacy- معادل‌هایی از قبیل: درستی، حقانیت، برحق بودن، قانونی بودن، روایی، حلالیت، حلال زادگی، مشروعیت و مشروع سازی ذکر شده است. بنابراین مشروعیت فقط با یکی از معانی این واژه انگلیسی هماهنگی دارد.

ب- معنای اصطلاحی (علل اختلاف برداشت در مشروعیت سیاسی والهی):

اصطلاح (legitimacy) یا مشروعیت در فرهنگ سیاسی و جامعه‌شناسی عبارت است از: یکی و یگانگی بودن و چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه- مقصود جامعه‌ی ملی یا کشور ملت می‌باشد- با توجه به نظر و باورهای همگانی یا اکثریت مردم جامعه در یک زمان و مکان معین، که نتیجه‌ی این باور پذیرش حق فرمان دادن «Authority» یا اقتدار برای رهبران و وظیفه‌ی فرمان بردن برای اعضای جامعه یا شهروندان می‌باشد.

بنابراین مشروعیت مصطلح در علوم سیاسی ناشی از هماهنگی عقیدتی و ارزش میان شهروندان و حکومت کنندگان می‌باشد. این هماهنگی، امر اطاعت را آسان نموده و دولت را از کاربرد زور و تهدید به منظور تامین فرمان برداری، بی نیاز ساخته و یا استفاده از آن را به حداقل تقلیل می‌دهد.

ناگفته نماند که مقصود از مشروعیت یک نظام «شرعی بودن» و مطابق دستورات دینی بودن آن نیست، که به طور مثال، آنچه که در مشروعیت، به عنوان وظیفه‌ی دین سخن می‌گوییم، این است که آیا عمل کردن بدین نحو مورد رضا و خواست پروردگار «مشروع» است یا نه، بلکه مشروعیت به معنای ویژگی یک نظام است که حاکم به واسطه‌ی آن ویژگی، حکمرانی خویش را صحیح می‌داند و مردم نیز به جهت همان ویژگی، فرمانبرداری از حکومت را وظیفه خود می‌دانند.

به هر حال مطابق تعاریف ارائه شده ملاحظه می‌شود که بین معنای مشروعیت در علم سیاست و معنی اصطلاحی آن با کلمه‌ی شرع- به معنی حکم دین- هیچگونه ارتباطی وجود ندارد. بلکه از آنچه از مفهوم مشروعیت فهمیده میشود، به نظر می‌رسد که به معادل‌هایی چون مقبولیت، حقانیت، قانونیت و

روائی هماهنگی بیش تری دارد، تا شرعیت و مشروعیت آن. این در حالی است که واژه‌ی مشروعیت در نزد متشرعه و علمای دین، اعضاراً به معنی مطابقت با شرع و احکام آن، معنی می‌دهد. بنابراین به دلیل وجود همین اختلاف در برداشت از واژه‌ی «مشروعیت» میان گروه اول و دوم است که ما شاهد دو نوع تلقی از این واژه، در میان صاحب نظران دو گروه می‌باشیم:

گروه نخست، عموماً مقصودشان از به کار بردن اصطلاح مشروعیت در مورد نظام سیاسی، حقانیت و مقبولیت آن است. در حالی که گروه دوم، هرگاه از مشروعیت نظام سیاسی سخن به میان می‌آورند، مطابقت با احکام شرعی و شرعی بودن نظام را مدنظر دارند.

در نتیجه می‌توان گفت، که اساس این دو گانگی در تعبیر و تعریفی که موجب برداشت‌های متفاوت در میان هر دو گروه- علمای سیاسی و دینی- از ترجمه‌ی نارسا و مبهم از واژه‌ی انگلیسی آن به عربی و فارسی سرچشمه می‌گیرد. زیرا یکی از معانی لغوی واژه- legitimacy_ مشروعیت- مطابقت با شرع- می‌باشد، لکن مفهوم اصطلاحی آن در علوم سیاسی با معادل‌های لغوی نظیر: حقانیت، مقبولیت و یا قانونیت مترادف تر و مناسب تر است: تا با معادل لغوی «مشروعیت» که دارای ابهام و دوگانگی در معنا می‌باشد و در نزد فقها و علمای دین نیز به انطباق با شرع تعبیر می‌شود.

در واقع همین ابهام و التباس بین معنی اصطلاحی و لغوی legitimacy، درباره‌ی تعریف و مبنای مشروعیت نظام سیاسی در نزد این دو گروه است، که در پیچیدگی آن بی‌تاثیر نبوده است. لازم به ذکر است که، دو گروه مزبور را می‌توان، به معتقدین مشروعیت الهی، همان مطابقت با شرع است که با معنی لغوی آن هماهنگ تر است و منظور از مشروعیت مدنی یا مردمی همان حقانیت، مقبولیت، روایی، مطلوبیت یا پذیرگی است که با تعریف اصطلاحی مشروعیت سیاسی، در نزد دانشمندان علوم سیاسی مطابق است.

ناگفته نماند که مفهوم «مشروعیت» به عنوان معادل «legitimacy» در علوم سیاسی رایج شده است، و معادل‌هایی نظیر مقبولیت و حقانیت روایی، مطلوبیت و پذیرندگی گرچه با معنای اصطلاحی آن منطبق تر است چندان در میان صاحب نظران علم سیاست مصطلح نمی‌باشند. به همین منظور ترجیح دادیم که از همان واژه‌ی «مشروعیت» برای هر دو معنی-دینی سیاسی- آن استفاده نمایم، و جهت تمیز آنها پسوند دینی و یا سیاسی را بدانها اضافه نمودیم. بنابراین، از این پس برای رسانیدن مفهوم «legitimacy» یعنی اصطلاح سیاسی آن از معادل «مشروعیت دینی» و یا به اختصار «مشروعیت» استفاده خواهیم نمود.

از آن جایی که در این پژوهش واژه‌ی حکومت اسلامی به مثابه نظام و مدل سیاسی هر دو متفکر- امام خمینی(س) و شهید باقرصدر- مطرح می‌باشد، هر دو معنای مشروعیت یعنی سیاسی/دینی- آن مدنظر قرار می‌گیرد.

*حاکمیت (sovereignty):

لغوی: عبارت است از حاکم بودن، مسلط بودن. از نظر حقوقی، اعمالی است که دولت‌ها برای اعمال قدرت و حل مسائلی که به حفظ نظم عمومی وابسته است، انجام می‌دهند.

اصطلاحی: حاکمیت ادعای داشتن اقتدار سیاسی نهایی است که در رابطه با اتخاذ و اجرای تصمیمات سیاسی تابع هیچ قدرت برتر نیست. در نظام بین المللی، حاکمیت به ادعای دولت در رابطه با خودگرانی تمام عیار اشاره دارد و شناسایی متقابل دعاوی مربوط به حاکمیت اساسی جامعه بین المللی است. حاکمیت روی دیگر سکه بی نظمی (آنارشی) بین المللی است، چون اگر دولت‌ها مدعی حاکمیت باشند، در این صورت ساختار نظام بین المللی بنا به تعریف [ماهیت] آنارشی دارد. حاکمیت را نباید با آزادی اقدام اشتباه گرفت: بازیگران دارای حاکمیت ممکن است در شرایطی که کاملاً در روابط قدرت نابرابر محصور است، به اعمال آزادی اتخاذ تصمیم می‌پردازند. اصل عقیدتی حاکمیت به عنوان بخشی از تغییر و تحول نظام قرون وسطی در اروپا به نظام دولت مدرن مطرح شد، یعنی فرایندی که در پیمان ۱۶۴۸ وستفالی به اوج خود رسید. ظهور مفهوم حاکمیت به نحوی به موازات ظهور مشابه آرمان مالکیت خصوصی به وجود آمد که هر دو بر حقوق سیاسی و اقتصادی پراکنده و چندین و چند لایه قرون وسطی در درون دولت، حاکمیت به دستیابی پادشاه به برتری نهایی بر مدعیان رقیب فتودال نظیر اشرافیت، دستگاه پاپ و امپراطوری رم مقدس اشاره می‌کرد. از نظر بین المللی، حاکمیت اساس مبادله شناسایی مبتنی بر برابری قانونی قلمداد شده و بنابراین به اساس دیپلماسی و حقوق بین المللی تبدیل گردید. (احمدی، ۱۳۸۱: ۷۶۱)

لذا بطور کلی حاکمیت عبارتست از قدرت عالی دولت که وضع کننده قانون و اجرا کننده آن است و بالاتر از آن قدرتی نیست. و شامل این مفاهیم می‌باشد:

۱- اختیار وضع و اصلاح قوانین بر حسب نظام قانونی

۲- قدرت سیاسی دولت

۳- استقلال سیاسی و قضایی یک جامعه.

به عبارت دیگر حاکمیت، قدرت برتر فرماندهی، یا امکان اراده‌ای فوق اراده‌های دیگر است.

*جمهوری (Republic):

جمهوری به معنای امر عمومی یا همگانی می‌باشد و به عنوان نوعی مکانیسم و نظام اداره جامعه است. در قاموس سیاسی، جمهوری حکومت دموکراتیک یا غیر دموکراتیک است که زمامدار آن توسط رای مستقیم یا غیر مستقیم اقشار مختلف مردم انتخاب شده و در آن دخالتی ندارد و بر حسب مورد مدت زمام داری محدود است. جمهوری در بیشتر موارد به رژیم دموکراتیک پارلمانی اطلاق می‌شود. امروزه جمهوری به حکومت یک کشور دارای دموکراسی و یا دیکتاتوری غیر سلطنتی نیز اطلاق می‌شود. جمهوری به خودی خود معرف دموکراسی نیست، بلکه سیستم‌های محدودکننده‌ی قدرت زمامدار مانند احزاب و پارلمان نیز نقش مهمی در نظام یک کشور ایفا می‌کنند.

در تقسیم بندی جمهوری‌های جدید چند شکل عمده مشاهده می‌شود:

۱- جمهوری‌های دموکراتیک غربی: این جمهوری‌ها در اصل از درون قالب دموکراسی و اراده‌ی عمومی پدید آمده اند، و زاده‌ی انقلاب‌های آزادیخواهانه‌ی قرن هجدهم و نوزدهم اروپا هستند. دموکراسی در این نوع از طریق انتخاب می‌باشد و زمامدار به وسیله انتخاب عمومی برگزیده می‌شود. در این نوع حکومت نقش احزاب و پارلمان چشم گیر است.

۲- جمهوری‌های دموکراتیک توده‌ای: این نوع جمهوری پس از ظهور انقلابات کمونیستی در اروپای شرقی و آسیا، و بعضی از نقاط دیگر جهان تکوین یافته است. در این نوع کشورها حاکمیت را از دیکتاتوری پرولتاریا میدانند.

۳- جمهوری‌های نوع آمریکای لاتین و دیکتاتور منشانه: در این جمهوری‌ها اراده‌ی عمومی دخالتی در مملکت داری ندارد، قدرت منحصراً در دست زمامدار است. اصل تفکیک قوا رعایت نشده و رئیس جمهور که در اغلب اوقات با کودتا، ماجراجویی‌های نظامی و زد و بندهای سیاسی بر سر کار می‌آید، که دارای قدرت نامحدود بوده، و انتخابات در این گونه کشورها فرمایشی است.

اصلاحات دیگری در این باب متداول است که عبارتند از:

۱- جمهوری‌های اشرافی: جمهوری است که تصدی مقامات عالی‌ه اختصاص به اشراف داشته باشد.

۲- جمهوری با واسطه: جمهوری است که ملت به وسیله‌ی نمایندگان خود، حق حاکمیتش را اعمال می‌کند.

۳- جمهوری بلاواسطه: نوعی جمهوری است که ملت بدون نمایندگان، حق حاکمیت - وضع قانون، انتخاب وزیران و ماموران عالی مقام، نظارت در اعمال حکومت- خود را اعمال می‌کند. به هر حال مقصود ما از جمهوری در این تحقیق حضور و مشارکت همه یا اکثریت مردم در شکل‌گیری و باز تولید نظام سیاسی تلقی می‌گردد.

* جمهوری اسلامی (Islamic Republic):

برطبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظامی است برپایه‌ی ایمان به:

۱- خدای یکتا- لا اله الا الله و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۳- معاد و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش آفرینی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

۶- کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین (س)

ب- استفاده از علوم، فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد آنها

ج- نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط، عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

* حکومت یا نظام سیاسی (political system/government):

لغوی: حکومت عبارتست از ۱- فرمان دادن، امر کردن. ۲- فرمانروایی کردن. ۳- سلطنت کردن، پادشاهی کردن. ۴- داوری کردن، قضاوت کردن.

اصطلاحی: حکومت یا نظام سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای از سازمانهای اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید. این سازمانها در جوامع ابتدایی وجود ندارند.

در عصر جدید حکومت به صورت پیچیده‌ای درآمده و عهده دار وظایف بسیار خطیر و دامنه داری شده است. و در نتیجه پیچیدگی کار حکومت‌های کنونی، بر شماره سازمانها و کارگزاران دیوانی افزوده، و جامعه به شدت اسیر دیوان سالاری یا بوروکراسی شده است.

به تعبیر دیگر حکومت به معنی کوششی است که برای تحت قاعده مشخص درآوردن- و تبیین نحوه‌ی پیوند عناصر- یک نظام سیاسی خاصی صورت می‌گیرد. نظام سیاسی را نیز مجموعه محسوس نهادها و انگیزه‌ها می‌دانند که ساخت قدرت را ممکن می‌سازد.

به طور کلی از واژه «حکومت» سه معنی مختلف به ذهن متبادر می‌شود:

۱- عمل حکومت و رهبری. ۲- نظام سیاسی. ۳- ارگان‌هایی که عملاً حکومت را در یک دولت-کشور بر عهده دارند، به ویژه ارگان‌هایی که قوه‌ی اجرایی را اعمال می‌کنند- مانند شورای وزیران. واژه «حکومت» نیز به معنای نمایشگر اعمال اقتدار عمومی توسط حاکم است. پس حکومت تجسم بخش دولت کشور و عامل اجرای حاکمیت موجود در آن است.

با این وصف، ترجیحاً از واژه «نظام سیاسی» برای نشان دادن کلیتی که هم معنی ساختاری و کالبد دارد و هم شیوه و طرز عملکرد فرمانروا را نشان می‌دهد، به جای واژه‌ی «حکومت» استفاده می‌شود. البته اصطلاح «حکومت» حقوقی تر از «نظام سیاسی» است و دارای معنای حقوقی ویژه‌ای است.

بنابراین در این نوشتار، از اصطلاح «نظام سیاسی» که در آن مفهوم حکومت نیز مستتر است، بر اصطلاح «حکومت» ترجیح داده شده است. لکن این بدین معنا نیست که اگر در جایی هم لازم شد از واژه «حکومت» استفاده نشود.

* حکومت اسلامی: (Islamic government)

در حکومت اسلامی اداره امور کشور و رسیدگی به مسائل جامعه مطابق دستورات و قوانین است. حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی، بگشاید.

اهداف حکومت اسلامی عبارت است از:

۱- آئین حکومت و سازماندهی، به این منظور که در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی الله بگشاید.

۲- ایجاد جامعه نمونه بر اساس موازین اسلامی.

خصوصیات این جامعه عبارتند از:

الف- ایجاد تحول فکری و درونی در مردم

ب- رهایی از آمیزه‌های فکری بیگانه و ایستادگی در برابر ظلم

ج- پرورش انسان با ارزشهای والا و جهان شمول اسلامی و بکار بستن تعالیم آن و اجرای احکام الهی.

د- نفی استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی

ر- سپردن حکومت و اداره‌ی مملکت به دست صالحان.

لازم به یاد آوری است که در این نوع حکومت، ولایت فقیه از نقش ویژه‌ای برخوردار است و یکی از اصول مسلم و بلامنزاع آن به شمار می‌رود.

*ولایت و ولایت فقیه:

ولایت در اصل ولایت از ولی فتح و او وسکون لام و یاء می‌باشد، «ولی» دلالت بر وجود پیوند و پیوستگی بین دو چیز و یا دو شخص می‌نماید. ارتباط و هماهنگی بین دو چیز، سلطه از یک طرف و تحقیر از طرف دیگر را نفی می‌کند، لذا طرفین دارای رابطه و تکلیف متقابل و هر دو در خدمت یک هدف مشترک و مقدس می‌باشند. بنابراین والی و مولی علیه در کنار هم در برقراری قسط و عدل و نظم جامعه تلاش می‌کنند.

ولایت: ولایت به فتح «او» و کسر «او» و دیگر «او» و دیگر مشتقات آن در معانی متعددی به کار رفته است که مهم ترین این معانی عبارتند از: «صاحب، صدیق، رفیق، موافق» (یزدی، ۱۳۶۲: ۱۴۰)، نصرت و یاری، محب، سلطان، تصدی امر، تسلط، سیطره، سلطنت، اماره، حکومت، تدبیر. این معانی متعدد را می‌توان به چهار دسته‌ی کلی مرتب کرد:

۱- قرابت یا نزدیکی / ۲- محبت و دوستی / ۳- نصرت و یاری / ۴- حکومت یا تصدی امر.

ولایت به معنای دوستی، قرابت، و نصرت از محل نزاع این پژوهش خارج است چرا که موضوع بحث ما در زمینه‌ی رابطه‌ی مردم و ولایت سیاسی یا تدبیری فقها است که مرتبط با معنای چهارم است. مرحوم مطهری ولایت را به منفی و مثبت قسمت نموده است و سپس ولایت مثبت را به عام و خاص و خاص را به محبت و امامت، زعامت و تکوینی تقسیم کرد. (مطهری، بی تا: ۹-۱۰) که مراد ما در اینجا از ولایت، زعامت سیاسی است.

برخی از محققین نوشته اند؛ مباحث فقهی در عام ترین تقسیم به عبادات و معاملات تقسیم می‌شوند که ولایت سیاسی فقها از قسم معاملات، آن هم از نوع احکام وضعی ولایی است. (کدیور، ۱۳۷۷: ۴۳) اما آقای محمد مجتهد شبستری تقسیم بندی دقیق تری دارند. وی کلیه‌ی اوامر و نواهی دین اسلام را عبادات، معاملات و سیاسات طبقه بندی می‌کند و ولایت را در قسم سوم متذکر می‌شود. (شبستری، ۱۳۷۸: ۶)

*اندیشه سیاسی (political thought) :

اندیشه سیاسی، همانطور که لئو اشتراوس می‌گوید، عام و کلی است و هرگونه تأمل در باب سیاست را شامل می‌شود. بدین ترتیب وقتی از فلسفه‌ی سیاسی صحبت می‌شود، مراد صورت خاصی از اندیشه سیاسی است. هر فلسفه سیاسی ضرورتاً اندیشه سیاسی هم هست، درحالی که هر اندیشه‌ی سیاسی در قلمرو فلسفه سیاسی قرار نمی‌گیرد. (اشتراوس، ۱۳۷۳: ۴-۵) اندیشه سیاسی نسبت به فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اعم مطلق است. بنابراین اندیشه سیاسی شیعه هرگونه تفکر و تأمل در باب سیاست اسلامی را شامل می‌شود، و از فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی شیعه اعم می‌باشد. (حقیقت، ۱۳۸۱: ۱۵)

مردم : منظور از مردم در این پژوهش افرادی است که در محدوده حاکمیت و مرزهای یک نظام سیاسی زندگی می‌کنند.